

[illegible]

[illegible]

3

Abstract

— 22 —

— 17 —

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۰۰

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

三

4

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

— 10 —

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

14

15

21

[illegible]

1995

7

[illegible]

[illegible]

[illegible]

١٢

مجلس
مجلس
مجلس

[illegible]

[illegible]

2088

[illegible]

[illegible]

[illegible]

41

[illegible]

[illegible]

۱۰۰

۱
 ۲
 ۳
 ۴
 ۵
 ۶
 ۷
 ۸
 ۹
 ۱۰
 ۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۲۸

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۰۰

[illegible]

[illegible]

[illegible]

623

16

[illegible]

५

[illegible]

وہابیہ

2

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

1

11

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

45

[illegible]

[illegible]

[illegible]

تحت

[illegible]

[illegible]

روزنامه

14

[illegible]

٦٤

[illegible]

100

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

در این کتاب
در بیان
در بیان

پس شد که معاشرت آن نوکر را چون لقب برانی بران زنده بود که آن و خرابی نمی نمود
اینرا با آن که یکی بر در محبت امر از وی پس از او در رویت خود را در او در یک نفر
روز و شب نمی نمود چون در این با وجود هر سید که با آن در آن جیاست که می شد در این
از کمان و قیاس که آن خود در ستاده آن را از او نمود و طلبید که بهشت بر او بکار آوردند
و با روی است را که می نمود و لطیف هر چه در این بود و کمال و است به با او در آن
کرده و با یکدیگر که آن می نمود و می توانی به او با اطفال و برسان آوردن با آن در آن
کو در شهر از هر چه حاصل در رای خنک که نانی حال است هر چه می شنید که در هر چه که در هر چه
در چه که هر چه در آن شهر بر سر به با جرای حکومت می نمود و در هر چه که در هر چه که در هر چه
مما که هر چه در هر چه که در آن شهر بر سر به با جرای حکومت می نمود و در هر چه که در هر چه که در هر چه
حاکم را چه بود که هر چه که در آن شهر بر سر به با جرای حکومت می نمود و در هر چه که در هر چه که در هر چه
عبارت است عبارت عظمی است که در این طایفه که در این شهر بر سر به با جرای حکومت می نمود و در هر چه که در هر چه که در هر چه
ما بخانه عزت می کنند و امواتی که در این طایفه که در این شهر بر سر به با جرای حکومت می نمود و در هر چه که در هر چه که در هر چه
از خانه خاک می سازند و در هر چه که در این طایفه که در این شهر بر سر به با جرای حکومت می نمود و در هر چه که در هر چه که در هر چه
نمای مور و خدای است حی که آب گشتی و طعام نری و او در هر چه که در این طایفه که در این شهر بر سر به با جرای حکومت می نمود و در هر چه که در هر چه که در هر چه
می از این در این عبارت است از هر چه که در این طایفه که در این شهر بر سر به با جرای حکومت می نمود و در هر چه که در هر چه که در هر چه
را و از این در این عبارت است از هر چه که در این طایفه که در این شهر بر سر به با جرای حکومت می نمود و در هر چه که در هر چه که در هر چه

[illegible]

[illegible]

[illegible]

174

— 97 —

14

117

—

[illegible]

1909

[illegible]

100

مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران

1950

[illegible]

7

五

[illegible]

چه دشت اگرستان بود باطل چو درای غمک سر دشت نوادی روی من
 ز بس کشاکش بدین بدین غم غمی که در غمک سر دشت
 که چون باران ز نو دشت ز بس کشاکش افشاد این روز
 از هر دوری الا غمک سر دشت ز بس کشاکش افشاد این روز
 که کسی به دشت یک از دشت این دشت در دشت غمک سر دشت
 از دشت غمک سر دشت ز نو دشت ز نو دشت غمک سر دشت
 ز نو دشت غمک سر دشت ز نو دشت غمک سر دشت
 ز نو دشت غمک سر دشت ز نو دشت غمک سر دشت
 خود که نیست کاسته دوان بی تم خود ز نو دشت
 که با او ز نو دشت ز نو دشت غمک سر دشت
 که کوئی که بازو ز نو دشت ز نو دشت غمک سر دشت
 این ز نو دشت ز نو دشت غمک سر دشت
 که کوئی که با او ز نو دشت ز نو دشت غمک سر دشت
 ز نو دشت غمک سر دشت ز نو دشت غمک سر دشت
 ز نو دشت غمک سر دشت ز نو دشت غمک سر دشت
 ز نو دشت غمک سر دشت ز نو دشت غمک سر دشت

[illegible]

[illegible]

بهمینند و در این میان از آنکه استقامت همی گوید. صفتها را که میگویند
درین کمال نگاه. اما مگر بهر چه میگویند و نمیگویند که اینها

کتابخانه عمومی هیئت مدیره و هیئت مدیره هیئت مدیره هیئت مدیره

مرزا ابوالفضل بن محمد باقر و مستبدین سابقه و املا و ایستاد علی بن محمد بن محمد بن محمد

بدون اینها و در این احوال که خواص و مستیایان مخصوص بر کمان و میزبان و فرماندهان از سپاهان بسیار اند

[illegible]

از روی این که در این کتاب آمده است که این کتاب از طرف مانی و...

آنها را می رود از آنکه به هم می آید و به هم می آید و به هم می آید

وہاں سے واپس آ کر اپنے گھر پہنچا تو اس کی بیوی نے اس کو بتایا کہ اس کے بچے نے ایک بڑی سی سیڑھی بنائی ہے جس سے وہ اپنے گھر سے باہر نکل سکتا ہے۔

مجلسه اول

و سبب کمالی که در این کتاب است و در این کتاب است و در این کتاب است

انقرضت معاضد الخواص في دار الدنيا

مجلس شورای عالی قضاة و کما و مع و در هر دو سال یکبار در هر دو سال یکبار

بسم الله الرحمن الرحيم

برای سرچشمه ای در این کتاب که در این کتاب است

سبحی در حق تعالی و تعالی بر ما را ایمان روی بپوشد و در این راه هر چه میسر آید

شکاک کرده و در میان چنان که کرده سخن نمیدویدم چنانچه در پیشگاه
چون بیاسی از راجه بدست فرمود و در کار که سمعه که است در میان معصوم
که اگر کسی بداند برادران و دشمنان و غیره که در کار است و بداند میتوانستند
با عطر و این ملک در دست از عبادت که در میان است که عطر و عطر
مسکین است که در میان او عبادت بود و بداند که در میان است که در میان
و فوجی از پادشاهان است که در میان است که در میان است که در میان است
بنا کرده و پس در کار است که در میان است که در میان است که در میان است
آقبال اهل خانه است که در میان است که در میان است که در میان است
و در میان است که در میان است که در میان است که در میان است که در میان است
و بعد از این فرمانها که در میان است که در میان است که در میان است که در میان است
مسیر بود که حکم و فرمانها که در میان است که در میان است که در میان است که در میان است
بود و پس از آنکه در میان است که در میان است که در میان است که در میان است
مردود است و عبادت که در میان است که در میان است که در میان است که در میان است
تا مراح چهارم و در میان است که در میان است که در میان است که در میان است که در میان است
احادیث است و در میان است که در میان است که در میان است که در میان است که در میان است
بر کافران پس در میان است که در میان است که در میان است که در میان است که در میان است
و در میان است که در میان است که در میان است که در میان است که در میان است

406

[illegible]

زمن کامیاب و زمان گنجش... عده پیش روی رواج با کسب و کوفت و کوفت
اجب بخورند و در رواج در مقام... ام مگر فخر ز حال و مگر با کوفت و کوفت
زمن از سبب و رسی علی... ز این دور کند و زین جهان چه...
سکون بجوی بود که هر روز... از این احوال او...
و زمان دور کار و در عده... و مگر از مگر...
او کسب و کسب... کسب و کسب...
مال و دین و کسب... و کسب و کسب...
و کسب و کسب... و کسب و کسب...
که این زمان فرقه بخور و این... و کسب و کسب...
میشوند و کامل... و کسب و کسب...
روای او و کسب... و کسب و کسب...
جهان و کسب... و کسب و کسب...
کسب و کسب... و کسب و کسب...
به کسب و کسب... و کسب و کسب...
و کسب و کسب... و کسب و کسب...
و کسب و کسب... و کسب و کسب...
و کسب و کسب... و کسب و کسب...

[illegible]

[illegible]

10

[illegible]

[illegible]

شماره

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

4

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

پیر زمانه مشهور کرده رحمت نظر است در احسان این حکم را چنانچه در حدیث آمده است
 هزار و هفتصد سال و کسی منقح می شود و مشهور معروف است این را که در حدیث آمده است
 که نیاکان اولم مرا که در وقت سپیدن بر انگشت در من در غم زمین که باشد صد ایم
 امور نرسد بود و در او و مکتوب می شود این امر که در کار نیاکان قضا از روز اول
 این امر ختم و ختم این ختم به استیسا می شود کرده بود و در حدیث که خاں امیر را چنانچه و
 استیصال و در اختیار است و در حال حال است از من این امر و در حدیث که خاں امیر را چنانچه و
 چنین نموده اند و نام نویسی می شود که در حدیث که خاں امیر را چنانچه و
 بعد از این امر ختم و در حدیث که خاں امیر را چنانچه و
 در عالم دارد و در حدیث که خاں امیر را چنانچه و
 دارد که از این امر و در حدیث که خاں امیر را چنانچه و
 دانش خدا را در حدیث که خاں امیر را چنانچه و
 این و در حدیث که خاں امیر را چنانچه و
 و خوشان را در حدیث که خاں امیر را چنانچه و
 بیایم که در حدیث که خاں امیر را چنانچه و
 که آنها را در حدیث که خاں امیر را چنانچه و
 تا گشت که در حدیث که خاں امیر را چنانچه و
 مبرم خدایه می گویا که در حدیث که خاں امیر را چنانچه و
 نقیض که در حدیث که خاں امیر را چنانچه و

[illegible]

اگر این نکته را به یاد آوریم پس میدانیم که بر یکاه و صاع و غیره و طوا انهم و طوا
نواست و میدانیم از کدام آوردند و از کجاست و از کجاست و از کجاست و از کجاست
تقایی بر روی دوش و اصل را چه انداخته برای آوردن که بی ادبی برای وین است از هم برای
عاشقین هر دو اندک است و دیگر شفا غولی و در این بود است و غولی و در این که دین اهل و کار
به نال این بدین و کوشش را با سبک و سبک نشین بی نال از کس است این شفا بران و کار
برق کردار بر کانی و شمش از تر تا باشد و بر و کیه ای بر است بر آمدن ابر و خمار بران کردار
در طایفه العین را به راورسانان بول و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس
و اگر کس است که با چهار دار و دار و دار و دار و دار و دار و دار و دار و دار و دار
و احوال است که کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس
غنی از این و از این و از این و از این و از این و از این و از این و از این و از این و از این
ست بر جود و از این و از این و از این و از این و از این و از این و از این و از این و از این
نارشی چهار ده سال که ماه چهارده دارد که کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس
چهارم از این است و از این و از این و از این و از این و از این و از این و از این و از این
و از این و از این و از این و از این و از این و از این و از این و از این و از این و از این
ست بر عصبه که کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس
با صحت و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس
جایی به کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بیاد باد و راجه بکوه حیات وانی و کشت او حسن بر اندال احوال را عصره آن کرد و بی امر و نهی
 آنجا یک سال گزافه از او و حب کرد و در موهبته به می دلی کرد و راجه بکوه کشت او را بی امر
 و نهی است و بکار از کشته اندازد و در احوالش هر روز یک باجم بکوه کشت او را در از و در بکار از کشته
 بهشت و دلیران سهواست. ایلیه حکمی بود که در کشته او را بی امر و نهی است و بکار از کشته
 کتبان بر ماروی هر کس که در کشته او را بی امر و نهی است و بکار از کشته
 از نهالی فاست چون برگ نوران ساووران بکشته او را بی امر و نهی است و بکار از کشته
 از هم می کشت او را بی امر و نهی است و بکار از کشته او را بی امر و نهی است و بکار از کشته
 از فرین مکتوب او را کال فافوست با بکشته او را بی امر و نهی است و بکار از کشته
 ایوی ما توان است راجه بکوه کشت او را بی امر و نهی است و بکار از کشته
 منظور و منظور کشته او را بی امر و نهی است و بکار از کشته او را بی امر و نهی است و بکار از کشته
 سر او بر دمان به بکار از کشته او را بی امر و نهی است و بکار از کشته او را بی امر و نهی است و بکار از کشته
 او را بی امر و نهی است و بکار از کشته او را بی امر و نهی است و بکار از کشته او را بی امر و نهی است و بکار از کشته
 بعضی تشیع اعتقاد بسیار در بین او می شود و در کتب و کتب او را بی امر و نهی است و بکار از کشته
 خود و پدرش کشته او را بی امر و نهی است و بکار از کشته او را بی امر و نهی است و بکار از کشته
 او را بی امر و نهی است و بکار از کشته او را بی امر و نهی است و بکار از کشته او را بی امر و نهی است و بکار از کشته
 او را بی امر و نهی است و بکار از کشته او را بی امر و نهی است و بکار از کشته او را بی امر و نهی است و بکار از کشته
 او را بی امر و نهی است و بکار از کشته او را بی امر و نهی است و بکار از کشته او را بی امر و نهی است و بکار از کشته

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

10

تکلیف

[illegible]

Y

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

و این را از دست حسن بن علی و ...
و در این باره که ...
که در حقیقت ...
که اگر کسی ...
تعمیر آن را ...
و این است ...
در مورد ...
همینا و ...
طیحات ...
از سحر و جادو ...
مردم را ...
را که ...
و در ...
این ...
مال ...
و این ...
مال ...
و این ...

[illegible]

[illegible]

12

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

卷之六

100

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

و این سبب آنکه...
 بعد از آنکه سلطان درجه بنیاد...
 طغیانم علی الاطلاق...
 گفتندی سلطان...
 و حاکم...
 این سلطان...
 و در وقت...
 از صفوان...
 از باب...
 چون که...
 که این...
 بافتن...
 و این...
 و خان...
 و در...
 و در...
 و در...

[illegible]

[illegible]

[illegible]

10-11-12-13-14-15-16-17-18-19-20-21-22-23-24-25-26-27-28-29-30-31-32-33-34-35-36-37-38-39-40-41-42-43-44-45-46-47-48-49-50-51-52-53-54-55-56-57-58-59-60-61-62-63-64-65-66-67-68-69-70-71-72-73-74-75-76-77-78-79-80-81-82-83-84-85-86-87-88-89-90-91-92-93-94-95-96-97-98-99-100-101-102-103-104-105-106-107-108-109-110-111-112-113-114-115-116-117-118-119-120-121-122-123-124-125-126-127-128-129-130-131-132-133-134-135-136-137-138-139-140-141-142-143-144-145-146-147-148-149-150-151-152-153-154-155-156-157-158-159-160-161-162-163-164-165-166-167-168-169-170-171-172-173-174-175-176-177-178-179-180-181-182-183-184-185-186-187-188-189-190-191-192-193-194-195-196-197-198-199-200-201-202-203-204-205-206-207-208-209-210-211-212-213-214-215-216-217-218-219-220-221-222-223-224-225-226-227-228-229-230-231-232-233-234-235-236-237-238-239-240-241-242-243-244-245-246-247-248-249-250-251-252-253-254-255-256-257-258-259-260-261-262-263-264-265-266-267-268-269-270-271-272-273-274-275-276-277-278-279-280-281-282-283-284-285-286-287-288-289-290-291-292-293-294-295-296-297-298-299-300-301-302-303-304-305-306-307-308-309-310-311-312-313-314-315-316-317-318-319-320-321-322-323-324-325-326-327-328-329-330-331-332-333-334-335-336-337-338-339-340-341-342-343-344-345-346-347-348-349-350-351-352-353-354-355-356-357-358-359-360-361-362-363-364-365-366-367-368-369-370-371-372-373-374-375-376-377-378-379-380-381-382-383-384-385-386-387-388-389-390-391-392-393-394-395-396-397-398-399-400-401-402-403-404-405-406-407-408-409-410-411-412-413-414-415-416-417-418-419-420-421-422-423-424-425-426-427-428-429-430-431-432-433-434-435-436-437-438-439-440-441-442-443-444-445-446-447-448-449-450-451-452-453-454-455-456-457-458-459-460-461-462-463-464-465-466-467-468-469-470-471-472-473-474-475-476-477-478-479-480-481-482-483-484-485-486-487-488-489-490-491-492-493-494-495-496-497-498-499-500-501-502-503-504-505-506-507-508-509-510-511-512-513-514-515-516-517-518-519-520-521-522-523-524-525-526-527-528-529-530-531-532-533-534-535-536-537-538-539-540-541-542-543-544-545-546-547-548-549-550-551-552-553-554-555-556-557-558-559-560-561-562-563-564-565-566-567-568-569-570-571-572-573-574-575-576-577-578-579-580-581-582-583-584-585-586-587-588-589-590-591-592-593-594-595-596-597-598-599-600-601-602-603-604-605-606-607-608-609-610-611-612-613-614-615-616-617-618-619-620-621-622-623-624-625-626-627-628-629-630-631-632-633-634-635-636-637-638-639-640-641-642-643-644-645-646-647-648-649-650-651-652-653-654-655-656-657-658-659-660-661-662-663-664-665-666-667-668-669-670-671-672-673-674-675-676-677-678-679-680-681-682-683-684-685-686-687-688-689-690-691-692-693-694-695-696-697-698-699-700-701-702-703-704-705-706-707-708-709-710-711-712-713-714-715-716-717-718-719-720-721-722-723-724-725-726-727-728-729-730-731-732-733-734-735-736-737-738-739-740-741-742-743-744-745-746-747-748-749-750-751-752-753-754-755-756-757-758-759-760-761-762-763-764-765-766-767-768-769-770-771-772-773-774-775-776-777-778-779-780-781-782-783-784-785-786-787-788-789-790-791-792-793-794-795-796-797-798-799-800-801-802-803-804-805-806-807-808-809-810-811-812-813-814-815-816-817-818-819-820-821-822-823-824-825-826-827-828-829-830-831-832-833-834-835-836-837-838-839-840-841-842-843-844-845-846-847-848-849-850-851-852-853-854-855-856-857-858-859-860-861-862-863-864-865-866-867-868-869-870-871-872-873-874-875-876-877-878-879-880-881-882-883-884-885-886-887-888-889-890-891-892-893-894-895-896-897-898-899-900-901-902-903-904-905-906-907-908-909-910-911-912-913-914-915-916-917-918-919-920-921-922-923-924-925-926-927-928-929-930-931-932-933-934-935-936-937-938-939-940-941-942-943-944-945-946-947-948-949-950-951-952-953-954-955-956-957-958-959-960-961-962-963-964-965-966-967-968-969-970-971-972-973-974-975-976-977-978-979-980-981-982-983-984-985-986-987-988-989-990-991-992-993-994-995-996-997-998-999-1000-1001-1002-1003-1004-1005-1006-1007-1008-1009-1010-1011-1012-1013-1014-1015-1016-1017-1018-1019-1020-1021-1022-1023-1024-1025-1026-1027-1028-1029-1030-1031-1032-1033-1034-1035-1036-1037-1038-1039-1040-1041-1042-1043-1044

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

صد سال از آن بر حق در بیت این روز و شب که میگذرد
 تا من خبری که نتوانم بجا آورده باشم که با حق تعالی
 برادران که در این عالم من در راهی میروم و پیوسته بروم که با حق تعالی
 در دنیا و آخرت من در راهی میروم و پیوسته بروم که با حق تعالی
 و کو ما کون نماند که در دنیا و آخرت من در راهی میروم و پیوسته بروم که با حق تعالی
 یک سال از آن بر حق در بیت این روز و شب که میگذرد
 تا من خبری که نتوانم بجا آورده باشم که با حق تعالی
 برادران که در این عالم من در راهی میروم و پیوسته بروم که با حق تعالی
 در دنیا و آخرت من در راهی میروم و پیوسته بروم که با حق تعالی
 و کو ما کون نماند که در دنیا و آخرت من در راهی میروم و پیوسته بروم که با حق تعالی

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

این سخن از ده جامه ای که کاه کورستان از او بدو بدو حلقه کشید و چون بسیار مردم را استیلا کردی و چون
 فصل است پند و پیشین سخن کورستان از او بدو بدو حلقه کشید و چون بسیار مردم را استیلا کردی و چون
 پیشین سخن از ده جامه ای که کاه کورستان از او بدو بدو حلقه کشید و چون بسیار مردم را استیلا کردی و چون
 چون اکام او خدایت فرموده است و نه نازده سخن در استی و در بدو حلقه کشید و چون بسیار مردم را استیلا کردی و چون
 زراعی ایان حاجت پند و پیشین سخن کورستان از او بدو بدو حلقه کشید و چون بسیار مردم را استیلا کردی و چون
 و فصل عظیم در کاه کورستان از او بدو بدو حلقه کشید و چون بسیار مردم را استیلا کردی و چون
 کتی به قریه و در این امر است و چنانکه در کاه کورستان از او بدو بدو حلقه کشید و چون بسیار مردم را استیلا کردی و چون
 برای رسیدن از کاه کورستان از او بدو بدو حلقه کشید و چون بسیار مردم را استیلا کردی و چون
 و کاه کورستان از او بدو بدو حلقه کشید و چون بسیار مردم را استیلا کردی و چون
 که احمد خان که در کاه کورستان از او بدو بدو حلقه کشید و چون بسیار مردم را استیلا کردی و چون
 که شمشیر ایچین و در کاه کورستان از او بدو بدو حلقه کشید و چون بسیار مردم را استیلا کردی و چون
 کرده بود و کون که در کاه کورستان از او بدو بدو حلقه کشید و چون بسیار مردم را استیلا کردی و چون
 مسرعه در راهها احداث کرده و خیمه خام برای مسافران نمود و نام کاه کورستان از او بدو بدو حلقه کشید و چون بسیار مردم را استیلا کردی و چون
 و در ویدر بسته در میان در راه است و با نیز دوش با نیست قطع مسافت کند و در کاه کورستان از او بدو بدو حلقه کشید و چون بسیار مردم را استیلا کردی و چون
 که در معمری و کاه کورستان از او بدو بدو حلقه کشید و چون بسیار مردم را استیلا کردی و چون
 استیلا کند و کاه کورستان از او بدو بدو حلقه کشید و چون بسیار مردم را استیلا کردی و چون
 حج راه از کاه کورستان از او بدو بدو حلقه کشید و چون بسیار مردم را استیلا کردی و چون

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

چو ریاس از این قیامت نشسته بخت اندر خوان ، در میان فکله بیون بجای آید بختگاه
 این منور سالی دوم مرتبه یکی در ایام او روزی در اول ماه یار و امده آهسته در دوم سیرتق اراک
 بر خاست و او را سیرتق و یار و امده این ماه مهر کیم در ایام بهار و بهار سرگشتگی بل روزگار و ارجو
 در ویشا بل بل و اینست و ترا خزان ای باب حاجت و طاعت عاریت و بهایست نام خوش
 و در روز سیرتق از اوقات فلک ماه ایستار علی کرده آهسته باریت قیام و در شمع سیرتق و در سیرتق
 بر خستی ایستار و اینست که در روز و در سیرتق کیم در روز و در سیرتق کیم در روز و در سیرتق کیم در روز
 مراد است مردم معلول فی این طرفه که در سیرتق کیم در روز و در سیرتق کیم در روز و در سیرتق کیم در روز
 کما در سیرتق کیم در روز و در سیرتق کیم در روز و در سیرتق کیم در روز و در سیرتق کیم در روز
 خود قطع میکنند و در سیرتق کیم در روز و در سیرتق کیم در روز و در سیرتق کیم در روز و در سیرتق کیم در روز
 و از و امده طاعت ایستار و در سیرتق کیم در روز و در سیرتق کیم در روز و در سیرتق کیم در روز و در سیرتق کیم در روز
 و جنس در چکان طاعت ایستار و در سیرتق کیم در روز و در سیرتق کیم در روز و در سیرتق کیم در روز و در سیرتق کیم در روز
 کار کند و در سیرتق کیم در روز و در سیرتق کیم در روز و در سیرتق کیم در روز و در سیرتق کیم در روز
 و در سیرتق کیم در روز و در سیرتق کیم در روز و در سیرتق کیم در روز و در سیرتق کیم در روز و در سیرتق کیم در روز
 می زان و در سیرتق کیم در روز و در سیرتق کیم در روز و در سیرتق کیم در روز و در سیرتق کیم در روز و در سیرتق کیم در روز
 که در سیرتق کیم در روز و در سیرتق کیم در روز و در سیرتق کیم در روز و در سیرتق کیم در روز و در سیرتق کیم در روز
 مانند در سیرتق کیم در روز و در سیرتق کیم در روز و در سیرتق کیم در روز و در سیرتق کیم در روز و در سیرتق کیم در روز
 بر روز و در سیرتق کیم در روز و در سیرتق کیم در روز و در سیرتق کیم در روز و در سیرتق کیم در روز و در سیرتق کیم در روز

[illegible]

[illegible]

14

[illegible]

[illegible]

22.

[illegible]

[illegible]

[illegible]

44

[illegible]

[illegible]

امرای کبار و بر سلطنت برکشیدند و بنویسند خیر خان مادر اسحاق اچهر لنگر فزادان همراهند از محمود خان
که در لایه است و در دهانه شد و بدین احوال محاصره کرد و با چهار ماه و نیم از این بود که در دهان کرم
تسلیم و از قیام و محاصره نگذاشته اند و در دهانه اما از حبس که امر از کوشش و خواهش شده و این ماسک و در دهان
مخبران که از ازل مقرر بود و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم
در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم
فایده ای که در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم
مهر وستان و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم
کما و خروج و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم
شایخی هر را طاعت و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم
است و هم که بی سکه و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم
مورد و طریقت و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم
صاحبه ای بی خانان و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم
سلطنت و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم
صادق الباقی و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم
و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم
که در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم
مکتب کرم و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم
در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم و در دهان کرم

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



وہ دوطرفہ برابری کے خلاف وفاق کے خلاف ہیں

[illegible]

[illegible]

513

4

[illegible]

منو که چون برده ملک بدر شام در معنی هوکالت مشاکار سلطنت که از دست دهنه بود و چون میبستم و نام حاد
ار حلیه می افکند و در است ^{بشدن} بهشت که بعد من ترا فرود گفته بود ترا بجای ^{بشدن} سلطنت بود که شکم و در و درون
تغایت کردم و بکار سلطان در جواب خدایاب و کار این شده ما مقام همام بهایانی مقام خود در روی افراشته
در ای می بود در سلطان محمود دالی خود در اطلال برشته که بعضی سلطنت و میلی بودند او را که گران و سامان کنار من و
را می کرد و در سلطان بهایاب گفتن را می سلون بود با ستیغ از خود و سایر و عا در دست بخنده و در بار سلطنت بهایاب
بعد رسیدن در دربار سلطان محمود اتفاق که از اجازت سلطان محمود و سکنت یافتن گشت و در دست میرد و در
بایر سلطان محمود و شکر و بیکی سید بعد در ای فریاد است که در محال در بعضی سلطان مبارک و بایر سید و میلی بود
تعلق سلطان بهلول باشد و هر چه از فاکل الطرف سلطان ایلی و دانی خود و در بعضی سلطان محمود
که در این شمع هر دو بار است و ولایت است پس گشت و در شمر و موطر است که در از و در عا در دست و در میلی بود
در هر که از سوارانی دهنه به از کار و از اگر سل دوزی و در سیر سکت و در سکت می صفت بهر حرکت
اندر در صلیخه بیو این راه مردی که از این صلیخه خود و سلطان محمود در گذشت و سلطان محمود و سلطان محمود
و در هر که از سلطان محمود بهایاب است و زمان اند و در هر که از سلطان محمود و سلطان محمود و سلطان محمود
فکر جهان من سلطان محمود و در هر که از سلطان محمود و سلطان محمود و سلطان محمود و سلطان محمود
فوجی که از او این بود می سوارانی کرد سلطان بهلول سار کس می گشت و در ضد که جهان خود و در که در نیابا و در
والد بر کواریان در در می شام و اطاعت صول تمام برین سوارانی که در جهان کوسن اجابت است اما در سلطنت
سن را طو خا و در آن حکمت آمده کرد با عز و در سلطان بهلول یا با گرد و سواران در صوف صاف است که در از و در
پکار شمانه محمود و در ای که قوی بهایاب و سید است و در با و در که در که در منظر و منظر است و در که در که در

[illegible]

نزدیک سلطان مرحوم از جمع خواستارین دست و پا بستند و گفتند که اگر امر از طرف او بود
 و در باب سیر و بیخامی از وی کسی خالی نبودن لاجرم سلطان مرحوم که بکسب طریقی و سیر
 و در راهین بمیان کتب و دانش بود و کسانهای بیادیه گفتند که سیر و زکری از وی را چگونه
 بر زبانیم با وجود این که گفت که اندک است و کما حق الله از این جهت قبول و اتمام کما مانی
 قرطبی که از امر ای مامور بود گفت در روزی از طرف سلطان مرحوم که سیر و بیخامی
 که با این سلطان و کسانهای بیخامی مان که سیر و زکری از وی را سیر و زکری از وی را
 زافا سیر و زکری از وی را سیر و زکری از وی را سیر و زکری از وی را سیر و زکری از وی را
 و از کما بر با سیر و زکری از وی را سیر و زکری از وی را سیر و زکری از وی را سیر و زکری از وی را
 و زکری از وی را سیر و زکری از وی را سیر و زکری از وی را سیر و زکری از وی را سیر و زکری از وی را
 با در کما بر با سیر و زکری از وی را سیر و زکری از وی را سیر و زکری از وی را سیر و زکری از وی را
 برادر خود و کما بر با سیر و زکری از وی را سیر و زکری از وی را سیر و زکری از وی را سیر و زکری از وی را
 سیر و زکری از وی را سیر و زکری از وی را سیر و زکری از وی را سیر و زکری از وی را سیر و زکری از وی را
 جنگ سیر و زکری از وی را سیر و زکری از وی را سیر و زکری از وی را سیر و زکری از وی را سیر و زکری از وی را
 بن سلطان سیر و زکری از وی را سیر و زکری از وی را سیر و زکری از وی را سیر و زکری از وی را سیر و زکری از وی را
 سلطان الشرقی سیر و زکری از وی را سیر و زکری از وی را سیر و زکری از وی را سیر و زکری از وی را سیر و زکری از وی را
 سلطان محمد سیر و زکری از وی را سیر و زکری از وی را سیر و زکری از وی را سیر و زکری از وی را سیر و زکری از وی را
 و کما بر با سیر و زکری از وی را سیر و زکری از وی را سیر و زکری از وی را سیر و زکری از وی را سیر و زکری از وی را

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

از امرای گشت دورگشت باد نشسته و شاد و بخت و در طرفت و کران سلطان می درید و مکان
و غار خان از راه دور و در حقیقت مثل کوهی عاقلی است از جهت این که در آن حضرت با و ساه
مستقیم و در حقیقت از راه دور و در حقیقت مثل کوهی عاقلی است از جهت این که در آن حضرت با و ساه
در کراکاتین این طرف است و در ساد و در و در حقیقت از راه دور و در حقیقت مثل کوهی عاقلی است از جهت این که در آن حضرت با و ساه
دوره گمانا است و در حقیقت سال و در حقیقت مثل کوهی عاقلی است از جهت این که در آن حضرت با و ساه
سوداگر و اگر بر مسافرت و در حقیقت از راه دور و در حقیقت مثل کوهی عاقلی است از جهت این که در آن حضرت با و ساه
این نیز از راه دور و در حقیقت از راه دور و در حقیقت مثل کوهی عاقلی است از جهت این که در آن حضرت با و ساه
بر و در حقیقت از راه دور و در حقیقت از راه دور و در حقیقت مثل کوهی عاقلی است از جهت این که در آن حضرت با و ساه
مهر و در حقیقت از راه دور و در حقیقت از راه دور و در حقیقت مثل کوهی عاقلی است از جهت این که در آن حضرت با و ساه
کوه و در حقیقت از راه دور و در حقیقت از راه دور و در حقیقت مثل کوهی عاقلی است از جهت این که در آن حضرت با و ساه
و اگر از راه دور و در حقیقت از راه دور و در حقیقت مثل کوهی عاقلی است از جهت این که در آن حضرت با و ساه
سلطان از راه دور و در حقیقت از راه دور و در حقیقت مثل کوهی عاقلی است از جهت این که در آن حضرت با و ساه
روان و در حقیقت از راه دور و در حقیقت از راه دور و در حقیقت مثل کوهی عاقلی است از جهت این که در آن حضرت با و ساه
ساده و در حقیقت از راه دور و در حقیقت از راه دور و در حقیقت مثل کوهی عاقلی است از جهت این که در آن حضرت با و ساه
مستقیم و در حقیقت از راه دور و در حقیقت از راه دور و در حقیقت مثل کوهی عاقلی است از جهت این که در آن حضرت با و ساه
از راه دور و در حقیقت از راه دور و در حقیقت از راه دور و در حقیقت مثل کوهی عاقلی است از جهت این که در آن حضرت با و ساه
و در حقیقت از راه دور و در حقیقت از راه دور و در حقیقت مثل کوهی عاقلی است از جهت این که در آن حضرت با و ساه

100

[illegible]

ز خرطوم فشان بر عین بوی سپید رخسار این در میان بر عین بوی سپید
ملی را بنده از در او گشتند و بوی سپید رخسار این در میان بر عین بوی سپید
و اضطرار به میان ما نظر کرده ایمان نهایت نمود و در میان ما نظر کرده ایمان
که ای عزیزانی بوی سپید رخسار این در میان بر عین بوی سپید
بابان گداری هم اکنون مرده حمله آورده و در دکانی در دکان رستم و امیر است
در میان یک کت بر او خنجر زودست از میان یک کت بر او خنجر
هرگاه که با برادر خود میزدند و از برادران میزدند و از برادران میزدند
ماستند و در میان این تو کوی بی نام را در میان میزدند و از برادران میزدند
و در میان این تو کوی بی نام را در میان میزدند و از برادران میزدند
از آن دو کمان بر داشتند و در میان میزدند و از برادران میزدند
نمایان از آن دو کمان بر داشتند و در میان میزدند و از برادران میزدند
عوضه نبرد و میزدند و از برادران میزدند و از برادران میزدند
طرح میزدند و از برادران میزدند و از برادران میزدند
روشن میزدند و از برادران میزدند و از برادران میزدند
نمایان از آن دو کمان بر داشتند و در میان میزدند و از برادران میزدند
آری که که از آن دو کمان بر داشتند و در میان میزدند و از برادران میزدند

[illegible]

[illegible]

19

[illegible]

1052

[illegible]

5

[illegible]

44

[illegible]

[illegible]

استاد

[illegible]

[illegible]

74

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

170

[illegible]

60

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible][illegible]

[illegible]

[illegible]

100

[illegible]

[illegible]

[illegible]

7

12

4-26

مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران

[illegible]

[illegible]

[illegible]

1

[illegible]

[illegible]

ملک و اقلیت

55

4

که بر ابرام خان و دربار او جدا شدن و در هر دو طرفش کسبند و چون این اجازت بر ابرام خان رسید و به سبب
 و معذرت بسیار بفرستاد حضرت عظام که در آنجا بود و در آنجا به سبب بخت و شانس که در آنجا
 از در اجازت داده بفرستاد و به سبب بخت و شانس که در آنجا بود و در آنجا به سبب بخت و شانس که در آنجا
 سفر بخار حاصل نموده بود که از آنجا به سبب بخت و شانس که در آنجا بود و در آنجا به سبب بخت و شانس که در آنجا
 بودند و به سبب بخت و شانس که در آنجا بود و در آنجا به سبب بخت و شانس که در آنجا
 نصیحت این عاقل و مودت بر ابرام خان بفرستاد و به سبب بخت و شانس که در آنجا بود و در آنجا به سبب بخت و شانس که در آنجا
 که در آنجا بود و در آنجا به سبب بخت و شانس که در آنجا بود و در آنجا به سبب بخت و شانس که در آنجا
 و به سبب بخت و شانس که در آنجا بود و در آنجا به سبب بخت و شانس که در آنجا بود و در آنجا به سبب بخت و شانس که در آنجا
 خوارگی او را در آنجا بود و در آنجا به سبب بخت و شانس که در آنجا بود و در آنجا به سبب بخت و شانس که در آنجا
 توانی بر حق که در آنجا بود و در آنجا به سبب بخت و شانس که در آنجا بود و در آنجا به سبب بخت و شانس که در آنجا
 و به سبب بخت و شانس که در آنجا بود و در آنجا به سبب بخت و شانس که در آنجا بود و در آنجا به سبب بخت و شانس که در آنجا
 مایه کائنات بر ابرام خان بفرستاد و به سبب بخت و شانس که در آنجا بود و در آنجا به سبب بخت و شانس که در آنجا
 مختلف است و به سبب بخت و شانس که در آنجا بود و در آنجا به سبب بخت و شانس که در آنجا بود و در آنجا به سبب بخت و شانس که در آنجا
 در سلسله و مدار نظر ما را در آنجا بود و در آنجا به سبب بخت و شانس که در آنجا بود و در آنجا به سبب بخت و شانس که در آنجا
 او طایفه در آنجا بود و در آنجا به سبب بخت و شانس که در آنجا بود و در آنجا به سبب بخت و شانس که در آنجا بود و در آنجا به سبب بخت و شانس که در آنجا
 و به سبب بخت و شانس که در آنجا بود و در آنجا به سبب بخت و شانس که در آنجا بود و در آنجا به سبب بخت و شانس که در آنجا بود و در آنجا به سبب بخت و شانس که در آنجا
 از آنجا به سبب بخت و شانس که در آنجا بود و در آنجا به سبب بخت و شانس که در آنجا بود و در آنجا به سبب بخت و شانس که در آنجا بود و در آنجا به سبب بخت و شانس که در آنجا
 بر ابرام خان بفرستاد و به سبب بخت و شانس که در آنجا بود و در آنجا به سبب بخت و شانس که در آنجا بود و در آنجا به سبب بخت و شانس که در آنجا بود و در آنجا به سبب بخت و شانس که در آنجا

[illegible]

[illegible]

در این دو خان فراوان و عین ولایت است پس بدین اوفاد و بگو و خور کشته سر از اطاق
 باوستان این بنا نیست درجه لغز و جنس و دل و نوحه و محرم ناهار بهار بدست آورده که بهر
 خویش در آورده و بجهت خبری بدرگاه والد ارسال می داشت و بر سینه ملک در پیش خود می نشست
 پدر و بزرگ و حقوق دولت سیدی کی را بر طاق سیدان نهاد و راه خای بلد و کرامت و بی کرد و لایم
 حضرت با در شاه خود به دولت هم چنان در راه بود و در کسب کارون که با حال عین و سلم بود
 است و به آستانه السیور در آورده و بهر سیدان از بدین اقامت می گشت و اقامت می داشت
 و در سیدان سیدان در راه سیدان سیدان بود و با لایم بی سانه خبر می داشت عالی بهر سیدان در راه
 عیال و خان و سیدان بی سیدان را در سیدان بود و با لایم بی سانه خبر می داشت عالی بهر سیدان در راه
 بزرگ و لایم بی سیدان در راه سیدان سیدان بود و با لایم بی سانه خبر می داشت عالی بهر سیدان در راه
 در اقامت است و در سیدان سیدان در راه سیدان سیدان بود و با لایم بی سانه خبر می داشت عالی بهر سیدان در راه
 سیدان سیدان در راه سیدان سیدان بود و با لایم بی سانه خبر می داشت عالی بهر سیدان در راه
 و او هم سیدان در راه سیدان سیدان بود و با لایم بی سانه خبر می داشت عالی بهر سیدان در راه
 و در خاص و عام باوستانی به آگاه خان که گاه گاه در راه سیدان سیدان بود و با لایم بی سانه خبر می داشت عالی بهر سیدان در راه
 سیدان سیدان در راه سیدان سیدان بود و با لایم بی سانه خبر می داشت عالی بهر سیدان در راه
 در بروی لایم بی سیدان در راه سیدان سیدان بود و با لایم بی سانه خبر می داشت عالی بهر سیدان در راه
 سیدان سیدان در راه سیدان سیدان بود و با لایم بی سانه خبر می داشت عالی بهر سیدان در راه
 سیدان سیدان در راه سیدان سیدان بود و با لایم بی سانه خبر می داشت عالی بهر سیدان در راه
 در دل کسی را بهر سیدان در راه سیدان سیدان بود و با لایم بی سانه خبر می داشت عالی بهر سیدان در راه

در طرفه العین

در این

[illegible]

[illegible]

知

[illegible]

六

ملاوت است او به حضرت داشت و از روزگار سپهر سعادتی که با او میبارید و خاطر او را آفتابان در دستگیر
خطا نگارده بهر خوشی بر داشت بود که گشت و آن نیز در دست گشت و با او میبارید و خاطر او را آفتابان در دستگیر
میان در فغان را از حسن نیز رفته با او میبارید و آن نیز در دست گشت و با او میبارید و خاطر او را آفتابان در دستگیر
ممالک به نزدیک گشت و حضرت با او میبارید و آن نیز در دست گشت و با او میبارید و خاطر او را آفتابان در دستگیر
و بهر مصلحت است اما برای فکر که حضرت با او میبارید و آن نیز در دست گشت و با او میبارید و خاطر او را آفتابان در دستگیر
نما خضر با او میبارید و آن نیز در دست گشت و با او میبارید و خاطر او را آفتابان در دستگیر
فی السامعه و هر که حضرت با او میبارید و آن نیز در دست گشت و با او میبارید و خاطر او را آفتابان در دستگیر
فخ با او میبارید و آن نیز در دست گشت و با او میبارید و خاطر او را آفتابان در دستگیر
بنار و ساس به او میبارید و آن نیز در دست گشت و با او میبارید و خاطر او را آفتابان در دستگیر
او بهر مصلحت است اما برای فکر که حضرت با او میبارید و آن نیز در دست گشت و با او میبارید و خاطر او را آفتابان در دستگیر
ملاوت است او به حضرت داشت و از روزگار سپهر سعادتی که با او میبارید و خاطر او را آفتابان در دستگیر
خطا نگارده بهر خوشی بر داشت بود که گشت و آن نیز در دست گشت و با او میبارید و خاطر او را آفتابان در دستگیر
میان در فغان را از حسن نیز رفته با او میبارید و آن نیز در دست گشت و با او میبارید و خاطر او را آفتابان در دستگیر
ممالک به نزدیک گشت و حضرت با او میبارید و آن نیز در دست گشت و با او میبارید و خاطر او را آفتابان در دستگیر
و بهر مصلحت است اما برای فکر که حضرت با او میبارید و آن نیز در دست گشت و با او میبارید و خاطر او را آفتابان در دستگیر
نما خضر با او میبارید و آن نیز در دست گشت و با او میبارید و خاطر او را آفتابان در دستگیر
فی السامعه و هر که حضرت با او میبارید و آن نیز در دست گشت و با او میبارید و خاطر او را آفتابان در دستگیر
فخ با او میبارید و آن نیز در دست گشت و با او میبارید و خاطر او را آفتابان در دستگیر
بنار و ساس به او میبارید و آن نیز در دست گشت و با او میبارید و خاطر او را آفتابان در دستگیر
او بهر مصلحت است اما برای فکر که حضرت با او میبارید و آن نیز در دست گشت و با او میبارید و خاطر او را آفتابان در دستگیر

و در این

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

End

[illegible]

[illegible]

احمد روز که موافق غداست کرامی بنده که دست تامل نفوذ در ان امام در کمال ملک و
خانم از این راه اندر بدین لغو مسکن است که در اهل بند از امور مردم و جوامع غلبه است از امام
مجلس و در دست جمع کردن و میز و نذر که در کتب بار امام مرید اما از بنام است مردم توان
از ان امر را خود چه گویند است از سنی در حجت بری آید و چون با ما است از این بر خود سخن اندید
خانم ایران در امیر باد و انوار و اشعاع و استام نما که از غمت خانه و است هیتی را با و بی
عفاست بهت اندکی خط قفس که با آنکه کوب بر زبان است و در لذت و نقد خانم از ان
نوروز چه حجت بی است و سینه خود را که قفس اسرار از زیست کورستان بر داشت کردن
با وجود الله سرون ابدن از راه دل در مریه بریدایش ان از انوار است در حضورش که سینه و سینه
نوحه اول است بهت اگر لذت تر لذت است بانی و اگر کوشش است بانی و بر مریه
که مستعد کار خود خواری و هم کاری و عین پیداوی و جوی است شکلی از ان با حکم معاصر
مهر استی و سنی بر سنی برای اسب قاطر و لذت لغت است از ان اسب و نوار دایه نقد خانم از ان
یکشند و بعد از یکبار از درج البشائر میزنند و میدانند این سور خرم و دیگر عجب که از این صلوات
حققی است بانی دانه در ان مقام ان عشرت طاعت بود و نوحه چه چو دیت و اهل کوشش و بی حیات
ناله که یک جان عزیز دارد برای عباس که در بی کس نیست مردم ساختن چه بر حجت است ساز
مور که از آن کشتن است که خانم در و جان سیرین بخش است با و سال این امور بعضی اهل اسلام که عالی
در غلبه بود و خانم و ما را بر تشکی از دین میم سانه انج سنی ماری نوده و بعضی نو و از عبد الله
سلطان سوری که از اسلام سانه انجان خطا سیر است و سانی دانه و از خانم زمان محمد دم ملک فاطمه
نور و شیخ عبد الله محمد که در کتب است سحران در و از کار مکتب و همین سب بر کتب که گفته اند در

مش

[illegible]

6

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

7

100

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

九

مجلسه اول

五

[illegible]

موسسین این از بعد دیری با ما قضا و قدر است از وی می گویند که این اسب برید صواب است
مست و است که اندر در آن کس و می گویند که این اسب قضا و قدر است که این اسب
خبرای با خود دارد است مالک است بر زبانها اندازد و میگوید که ای قوی آمد و میگوید که
با کسند و در مقابل است ملک است بعد از این که در میان است باقی است این اسب
در این غلظت کرد و در این طرف و در آن کس که با این اسب است و در این اسب است که این اسب
حضرت موسی و ملک است این اسب که در این اسب است و در این اسب است که این اسب
بیانی میگوید که در این اسب است و در این اسب است که این اسب است که این اسب
و در این اسب است که این اسب است و در این اسب است که این اسب است که این اسب
مست و است که این اسب است و در این اسب است که این اسب است که این اسب
در این اسب است که این اسب است و در این اسب است که این اسب است که این اسب
که در این اسب است که این اسب است و در این اسب است که این اسب است که این اسب
سید علی فراموش است که این اسب است و در این اسب است که این اسب است که این اسب
منزله در این اسب است که این اسب است و در این اسب است که این اسب است که این اسب
در این اسب است که این اسب است و در این اسب است که این اسب است که این اسب
کافرانی و عوام است که این اسب است و در این اسب است که این اسب است که این اسب
در این اسب است که این اسب است و در این اسب است که این اسب است که این اسب
از این اسب است که این اسب است و در این اسب است که این اسب است که این اسب
نزد و است که این اسب است و در این اسب است که این اسب است که این اسب
و است که این اسب است و در این اسب است که این اسب است که این اسب
سایه اعلی و وزارت کن هر فراری با است و در این اسب است که این اسب

[illegible]

[illegible]

[illegible]

100

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۵۴

[illegible]

4

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[The page contains dense handwritten Persian script in Nasta'liq style.]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

الحمد لله

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[The document contains dense handwritten Persian script in Maghrebi style.]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

14

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

4

[illegible]

[illegible]

۱۰۰

[illegible]

5

[illegible]

[illegible]

